

## مهاجرت شیرازی‌ها به شرق آفریقا

### چکیده

در این مقاله تاریخ مهاجرت گروهی از مردم شیراز به بخش وسیعی از سواحل و جزایر شرق آفریقا، بر پایه اسناد و منابع اصلی و متاخر موجود بررسی شده است. از نکته‌های جالب توجه این مبحث، دست نخورده بودن موضوع است که با وجود اهمیت فراوان آن، دانش پژوهان و محققان داخلی تاکنون به آن توجه نکرده‌اند.

ایرانیان در مدت اقامت دیرینه خود افزون بر تغییر چهره سیاسی این منطقه، در زمینه مبادلات بازرگانی و گسترش فرهنگ و تمدن ایران در این سرزمین کارهای مثبتی انجام دادند که نتایج آن با گذشت بیش از هزار سال همچنان پابرجای مانده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کلید واژه: مهاجران شیرازی، شرق آفریقا، کیلوا، علی بن حسن.

## مقدمه

یکی از وقایع شگرف تاریخ ایران که با وجود اهمیت فراوان، تاکنون بررسی نشده است، مهاجرت شماری از ایرانیان شیرازی الاصل به شرق آفریقا و تشکیل دولتی بزرگ در سواحل و جزایر این منطقه در مدتی بسیار طولانی است. این ایرانیان که از بزرگان دوره آل بویه بودند پس از استقرار در شرق آفریقا، پادشاهی بزرگی به نام دولت شیرازی‌ها تشکیل دادند. این پادشاهی که به شکل دولت شهرهای مستقل از هم اداره می‌شد، تحت حاکمیت دولت شهر کیلوا، پایتخت این امپراتوری با شکوه، قرار داشت. نیاکان ما پس از استحکام دولت خود، با بومیان روابطی دوستانه برقرار کردند و در زمینه توسعه فرهنگ و تمدن ایران به موفقیت‌های مهمی دست یافتند.

حضور ایرانیان در سواحل و جزایر شرق آفریقا سبب گسترش معماری ایرانی، رواج آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی در میان بومیان، ورود واژه‌های فارسی به زبان سواحلی، ترویج اسلام و تشیع و... شد. این دستاوردهای باشکوه و عظیم با وجود گذشت صدها سال از برچیده شدن دولت شیرازی‌ها هنوز در این سرزمین برجای مانده و نام ایرانی که بومیان از آن با عنوان عجمو یاد می‌کنند، نامی همراه با افتخار و سربلندی است.

در این مقاله، مهاجرت شیرازی‌ها و شیوه استقرار آنان در شرق آفریقا که در دوره آل بویه منطقه‌ای کمابیش ناشناخته و پررمز و راز بود، بررسی شده تا این گوشه مبهم از تاریخ فرا مرزی ایران با ارائه شواهد و اسناد موجود به گونه‌ای شفاف نشان داده شود.

## شیرازی‌ها در شرق آفریقا

مهاجران شیرازی را که در قرن دهم میلادی رهسپار سواحل شرق آفریقا شدند، باید نخستین ایرانیانی دانست که در این منطقه استقرار یافتند و دولت قدرتمندی را به مدت پانصد سال تشکیل دادند. براساس اسناد و شواهد تاریخی که چند منبع قدیم شرق آفریقا نیز آنها را تأیید کرده‌اند، مهاجران شیرازی در دوره حکومت آل بویه بر بخشهایی از مناطق ایران به ویژه ایالت فارس، از شیراز به شرق آفریقا رفته‌اند؛ البته تاکنون از این سفر ردپایی به دست نیامده و در منابع قدیمی دوره آل بویه و یا غزنویان، سلجوقیان و ایلخانان به این مهاجرت اشاره‌ای نشده است.

برخی از تاریخ‌نگاران معاصر نیز در اشاره‌ای مختصر به مهاجرت شیرازیان، به منابع قدیم شرق افریقا و تحقیقات دانشمندان غربی استناد جسته‌اند، با این حال اشاره نکردن به ماجرا دلیل رد این واقعیت مسلم تاریخی نیست و باید این‌گونه برداشت کرد که تاریخ‌نگاران آن دوره اهمیت چندانی برای این سفر قائل نشده‌اند و یا این سفر در زمره سفرهای تجاری منظم آن عصر به شرق افریقا قلمداد شده است و تاریخ‌نگاران تصور نمی‌کردند مهاجرت گروهی از شیرازیان به استقرار دائمی آنها در این منطقه و تشکیل دولت بزرگی منجر شود که آثار فرهنگی آن صدها سال ادامه یابد، در هر حال اینکه کدام یک از شاهزادگان و یا پادشاهان آل بویه این سفر را آغاز کرده و انگیزه او از ترک دیار خویش و اقامت در منطقه‌ای بیگانه با وجود تمام مشکلات پیش روی چه بوده، تاکنون در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است؛ هر چند براساس شواهد، دلائلی قانع‌کننده ارائه شده که در روشن کردن این ابهام سهم شایان توجهی ایفا کرده است. موثق‌ترین منابعی که در این زمینه وجود دارد و استناد به آنها منطقی به نظر می‌رسد، وقایع‌نامه‌های کیلوا به زبانهای عربی، سواحیلی و ترجمه پرتغالی آنهاست.

وقایع‌نامه عربی کیلوا از سر سلسله شیرازیان مهاجر با نام سلطان حسن بن علی از نسل شاهان ایران یاد کرده که در آن دوره (نویسنده به نام سلسله تاریخی ایران در آن زمان نیز اشاره نکرده است) در شیراز حکومت می‌کرده است (السلوه فی اخبار الکلو، ۱۸۷۰، ص ۸). نویسنده تاریخ سواحیلی کیلوا کیسوانی، فرد پیشگام مهاجران را سلطان علی بن سلیمان شیرازی دانسته است. در این کتاب به عنوان و جایگاه سلطان علی بن سلیمان شیرازی هیچ اشاره‌ای نشده، فقط از یکی از فرزندان او به نام فاطمه یاد شده است. (کیلوا کیسوانی) ترجمه پرتغالی وقایع‌نامه عربی کیلوا که به عنوان منبعی مستقل استفاده شده از سر سلسله شیرازی‌ها با نام سلطان علی بن حسین یاد کرده که پدر وی سلطان حسین، حاکم شیراز بوده و وی پس از مرگ پدر رهسپار شرق افریقا شده است (De Barros, 1552, p.316).

منابع غربی نیز با استناد به منابع یادشده، اطلاعات بسیار مختصری درباره بنیانگذار پادشاهی کیلوا آورده‌اند. هولینگورث در کتاب مختصری از تاریخ سواحل شرق افریقا که از قدیم‌ترین کتابهای دهه ۱۹۲۰م است حسن بن علی را پیشگام این سفر تاریخی پرمخاطره دانسته

است (Id.1929,p.33). اینگزامز نیز در کتاب تاریخ مردمان زنگبار پادشاهی را که به سواحل شرقی آفریقا سفر کرده، سلطان حسن بن علی خوانده است (Id.1931,p.131). در کتاب خلاصه‌ای از تاریخ شرق آفریقا بنیانگذار پادشاهی شیرازی‌ها در شرق آفریقا حسن بن علی، پسر پادشاه شیراز، معرفی شده است (Brittain,1963,p.31).

پروفسور نویل چیتیک، باستان‌شناس مشهور آمریکایی، علی بن الحسن یا علی بن الحسین را از خاندان حاکم شیراز معرفی کرده و وی را مؤسس سلسله شیرازی‌ها دانسته است (Id.1974,p.258) و دکتر فریمن گرینویل نیز نام این فرد را علی بن حسن و از نسل شاهان شیراز خوانده است (Id.1962,p.61).

در کتاب اسلام در شرق آفریقا نوشته پروفسور ترمنگام، علی بن حسن، پادشاهی در شیراز معرفی شده که به سواحل شرق آفریقا مهاجرت کرده است (Id.1962,p.86). در کتاب عصر پرتغالی‌ها در شرق آفریقا سر سلسله پادشاهی شیرازی‌ها، علی یکی از هفت پسر سلطان حسن شیرازی خوانده شده است. در برخی از کتابهای دانشمندان غربی نیز اگر چه به سفر شیرازیان و استقرار آنها در سواحل و جزایر شرق آفریقا اشاره شده، نام بنیانگذار این سلسله نوشته نشده است.

در منابع فارسی دوره معاصر نیز اشاره‌هایی بسیار کوتاه به مهاجرت شیرازیان شده است. استاد شجاع‌الدین شفا سر سلسله شیرازیان را علی بن حسن، شاهزاده شیرازی، خوانده است (همو، ۱۳۴۲، ص ۱۴۵) و سید محمدتقی مصطفوی وی را علی بن حسن شاهزاده‌ای شیرازی از خاندان آل بویه معرفی کرده است (همو، ۱۳۳۳، ص ۱۴۴). دکتر عبدالحسین نوائی نیز در جلد اول کتاب تاریخ ایران و جهان، آغازگر مهاجرت شیرازیان را علی بن حسین شیرازی دانسته است (همو، ۱۳۶۲، ص ۵۴۵). در کتاب سفرنامه برادران امیدوار، بنیانگذار این پادشاهی، حسن بن علی مردی مقتدر و با نفوذ از اهالی کازرون خوانده شده است (همو، ۱۳۴۹، ص ۳۷۸). دکتر عبدالسلام عبدالعزیز نیز در کتاب ایرانی‌ها در شرق آفریقا، علی بن حسن شیرازی را سر سلسله شیرازی‌ها دانسته است (همو، ۱۳۵۶، ص ۴۳).

نکته مبهم دیگر در مورد شیرازیان، زمان سفر، انگیزه این مهاجرت و چگونگی آن است. وقایع‌نامه عربی کیلوا آغاز حکومت سلسله شیرازی‌ها را در کیلوا نیمه قرن سوم هجری خوانده و

دلیل مهاجرت آنان را به سواحل شرق آفریقا کابوس سلطان حسن بن علی دانسته است، او در خواب می‌بیند موشی صحرائی با دندانهای آهنین خود دیوارهای شهر مقر سلطنتش را سوراخ می‌کند و این امر را به فال بد می‌گیرد و پس از مشورت با پسرانش آنان را متقاعد می‌کند که سرزمین آنها محکوم به فنا شده است و با طرح نقشه‌ای که از طرف شش پسرش همراهی می‌شود به یکی از بندرهای جنوبی ایران می‌رود و با هفت کشتی رهسپار سواحل شرق آفریقا می‌شود. آنان وارد سواحل و جزایر آفریقای شرقی می‌شوند و در چند مکان مختلف لنگر می‌اندازند (السلوه فی اخبار الکلوه، ۱۸۷۰، ص ۱۰).

ترجمه پرتغالی وقایع نامه کیلوا روایتی کاملاً متفاوت از وقایع نامه عربی کیلوا بیان کرده است. این کتاب انگیزه شاهزاده علی بن حسین را رها شدن از تحقیر و اهانت برادران خود دانسته؛ زیرا مادر وی برده‌ای سیاه پوست و اهل حبشه بود و شاهزادگان دیگر که از نسل شاهزادگان ایرانی بودند، مسخره‌اش می‌کردند و به همین دلیل تصمیم گرفت با ترک دیار خویش از این توهینها آسوده خاطر شود، همچنین در آن زمان گزارشی دریافت کرد که نشان می‌داد در سواحل زنگبار طلا وجود دارد؛ پس با پسران و دیگر افراد خانواده خود به جزیره هرمز رفت و از آنجا رهسپار شرق آفریقا شد. در این کتاب تاریخ مهاجرت آنان سال ۴۰۰ ق / ۱۰۰۹ م. نوشته شده است (De Barros, 1552, p.318). در وقایع نامه سواحلی کیلوا کیسیوانی هیچ اشاره‌ای به دلیل سفر شیرازی‌ها و چگونگی مسافرت آنها نشده است.

در کتاب منافسه الدوله فی اعالی الفیل نیز دلیل سفر شیرازیان همان است که در ترجمه پرتغالی کیلوا آمده است. به گفته این کتاب در آن عهد سواحل شرق آفریقا منطقه‌ای امن برای افرادی بوده است که به دلائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی وطن خود را ترک می‌کرده‌اند. شیرازی‌ها با هفت کشتی از یکی از بندرهای جنوبی ایران رهسپار شرق آفریقا می‌شوند؛ تاریخ این مهاجرت سال ۳۶۷ ق / ۹۷۵ م. بیان شده است (السلوه فی اخبار الکلوه، ۱۸۷۰، ص ۱۸۰).

در کتاب تاریخ الاسلامی و الحضاره الاسلامیه نویسنده بدون اشاره به سر سلسله مهاجران، آنها را شیعیانی دانسته است که پس از فتح شیراز به دست طغرل سلجوقی در سال ۴۴۷ ق / ۱۰۵۵ م. به شرق آفریقا گریخته‌اند (شبلی، ۱۹۷۳، ص ۱۹۰). دکتر احمد شبلی منبع اصلی

این عبارت را نیاورده و مشخص نیست این واقعه را از چه کتابی نقل کرده است، با این حال تاریخ نوشته شده ۴۴۷ ق / ۱۰۵۵م. تفاوتی بسیار با سال ۳۶۷ ق / ۹۷۵م. دارد. پروفیسور ترمنگام نیز دلیل سفر شیرازی‌ها را به سواحل شرق آفریقا سکونت در این منطقه و زمان آن را ۴۰۰ ق / ۱۰۰۹م. خوانده است (Id.1962,p.258). پروفیسور چیتیک، قرن دهم میلادی را زمان سفر شیرازیان دانسته بدون اینکه درصدد یافتن تاریخ واقعی آن برآید (Id.1974,p.258). دکتر فریمن گرینویل نیز تاریخ ورود سرسلسله شیرازیها را به سواحل شرق آفریقا سال ۳۷۳ ق / ۹۸۳م. خوانده است (Id.1962,p.61). پروفیسور رویش، گسترش متصرفات ایران در دوره ابوالحسن علی فخرالدوله دیلمی را دلیل ورود شیرازی‌ها به آفریقا دانسته و گفته است که آنان در سال ۳۶۵ ق / ۹۷۵م. به رهبری فخرالدوله دیلمی به آنجا وارد شدند (Id.1961,p.98) و پروفیسور پرینس در کتاب خود، تاریخ ورود شیرازی‌ها به شرق آفریقا را ۳۷۰ ق / ۹۸۰م. دانسته است (Id.1965,p.52).

جیمز کرکمن، زمان سفر شیرازی‌ها را قرن دوازدهم میلادی دانسته است بدون اینکه دلیل مهاجرت و نحوه سفر آنان را بررسی کند (Id.1966,p.226). در کتاب تاریخ مختصر شرق آفریقا دلیل مهاجرت حسن بن علی، پسر پادشاه شیراز، نزاعی در شیراز قلمداد شده است که به سبب آن وی همراه شش پسر خود و با هفت کشتی رهسپار سواحل شرق آفریقا می‌شود، با این حال به تاریخ سفر آنان اشاره نشده است (Id.1963,p.31) اینگرمز، تاریخ ورود آنها را سال ۳۶۷ ق / ۹۷۵م. خوانده است (Id.1931,p.131). هولینگورث نیز بدون اشاره به جزئیات، زمان سفر شیرازی‌ها را سال ۳۶۷ ق / ۹۷۵م. دانسته است (Id.1929,p.39). استاد شجاع‌الدین شفا نیز انگیزه مهاجرت شیرازی‌ها را به سواحل شرق آفریقا توسعه قلمرو پادشاهی آل بویه قلمداد کرده است (همو، ۱۳۴۲، ص ۱۳۵). استاد محمد تقی مصطفوی بدون اشاره به انگیزه مهاجرت شیرازیان می‌نویسد که مؤسس این سلسله در اواسط قرن چهارم هجری قمری با شش پسر و شماری از همراهان از خلیج فارس و با هفت کشتی رهسپار شرق آفریقا شده است (همو، ۱۳۴۳، ص ۱۴۵). برادران امیدوار نیز نوشته‌اند که حسن بن علی کازرونی و شش فرزند قوی هیکلش در سال ۱۵۸ ق. به انگیزه جهانگردی از بندر بوشهر با یک کشتی به زنگبار می‌روند و در این جزیره ماندگار می‌شوند (همو، ۱۳۴۹، ص ۳۷۹).

با بررسی و مقایسه منابع اصلی و متأخر می‌توان نتیجه گرفت که سفر مزبور در نیمه دوم

قرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) و از شیراز صورت گرفته است. در اینکه رهبر مهاجران از بزرگان شیراز و از خاندان شاهی بوده است، شک و تردیدی وجود ندارد؛ چون چنین سفری به امکانات فراوانی نیاز داشته که از توان مردم عادی خارج بوده است. با توجه به شواهد موجود و با در نظر گرفتن اینکه نویسنده وقایع نامه کیلوا در مقدمه کتاب که تا حدی به کتاب تجارت السلف اثر ابن مسکویه شباهت دارد، از سلطان عضدالدوله دیلمی با نیکی و احترام فراوان یاد کرده است و تاریخهای نوشته شده در متن پرتغالی وقایع نامه کیلوا و منابع غربی به دوره حکومت آل بویه بر مناطقی از ایران به ویژه استان فارس باز می‌گردد، می‌توان گفت که این سفر تاریخی در دوره خلافت آل بویه و به احتمال زیاد در زمان سلطنت سلطان عضدالدوله دیلمی و یا یکی از پسران او انجام شده است. شاید اینکه وقایع نامه کیلوا آغاز حکومت نخستین حاکم شیرازی کیلوا را نیمه قرن سوم هجری دانسته اشتباهی در نسخه برداری بوده؛ زیرا در آن عهد سلسله آل بویه هنوز شکل نگرفته بود.

در بررسی دو منبع اصلی این دوره، یعنی وقایع نامه عربی کیلوا و ترجمه پرتغالی دوباروس و جمع تاریخ سلطنت همه پادشاهان تا زمان سلطان الفضیل که احتمال دارد نویسنده در آن دوره کتاب را نگاشته باشد و کم کردن تاریخ سلطنت سلطان الفضیل یعنی ۱۴۹۵ م. از جمع سالهای سلطنت پادشاهان سلسله شیرازی (براساس وقایع نامه پرتغالی و عربی) و مقایسه آن دو با هم (۵۳۸ سال) تاریخ ۹۵۷ م / ۳۴۶ ق. به دست می‌آید. شروع حاکمیت علی بن حسن از این تاریخ تا ۹۹۶ م. ادامه داشته است. (۳۴۶-۳۸۶ ق)؛ با توجه به اینکه تاریخ به دست آمده با تاریخ اشاره شده در ترجمه پرتغالی وقایع نامه کیلوا یعنی سال ۴۰۰ ق / ۱۰۰۸ م. و تاریخ ۳۶۵ ق / ۹۷۵ م. کتاب منافسه الدولیه فی اعالی الفیل کمابیش تطابق دارد، مقارن با زمان سلطنت فناخسرو پسر حسن ملقب به عضدالدوله پرافتخارترین فرمانروای آل بویه است که برای مدت زمانی کوتاه با حاکمیت خود ایران باختری و عراق عرب را متحد ساخت.\* سلطان عضدالدوله در دوره فرمانروایی خود در سالهای ۹۴۹-۹۸۲ م. بر استان فارس حکومت می‌کرد و جالب اینجاست که تاریخ به دست آمده در مورد آغاز سلطنت بنیانگذار سلسله شیرازی‌ها در شرق افریقا ۹۵۷ م / ۳۴۶ ق. با تاریخ سلطنت

---

\* محاسبه تاریخ ورود شیرازی‌ها از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین مطالب مورد بررسی در این تحقیق بود و تاریخ به دست آمده پس از مطالعه عمیق منابع اصلی و متاخر و مقایسه آنها با یکدیگر استخراج شده است.

سلطان عضدالدوله دیلمی مطابق است؛ از این روی به احتمال زیاد در دوره سلطنت سلطان عضدالدوله یکی از پسران او با برخی از درباریان و خانواده‌اش رهسپار سواحل شرق آفریقا شده و دولتی بزرگ را در این منطقه بنیان نهاده است. کشف چند سکه بسیار قدیمی در کیلوا و زنگبار که به سکه‌های دوره آل بویه شباهت دارند، این نظریه را تأیید می‌کند.<sup>۴۴</sup> مهاجرت شیرازیان می‌تواند دلائل سیاسی، اقتصادی و دینی خاص داشته باشد. کابوسی را که شاه دیده باید کنایه‌ای از مشکلات سیاسی آن دوره در نظر گرفت، به‌ویژه که بخش عمده‌ای از دوران سلطنت سلطان عضدالدوله صرف سرکوبی شورشیان قلمرو وی شد. این کابوس به نوعی نمایانگر پیش‌بینی ثبات سیاسی نداشتن ایالت فارس پس از مرگ عضدالدوله بوده که سبب مهاجرت شاهزاده آل بویه به شرق آفریقا شده است.

داستان نقل شده در ترجمه پرتغالی وقایع نامه کیلوا مبنی بر اینکه شاهزاده علی بن حسین مادری حبشی داشته از جنبه‌های گوناگون قابل بحث است. در دوره آل بویه برده‌ها از دستگاه خلافت عباسی به سراسر حکومت‌های اسلامی آن روزگار می‌آمدند و در منابع دوره آل بویه به فراوانی بردگان در دربار اشاره شده است، پس دور از ذهن نیست که یکی از زنان عضدالدوله، کنیزی اتیوپیایی (که در آن عهد به زیبایی شهرت داشتند) بوده باشد. در آن عهد و در دیگر دوره‌های تاریخی، اصالت شاهزادگان برای دستیابی به تخت و تاج شاهی بسیار مهم بود و شاهزاده علی بن حسین با در نظر گرفتن این واقعیت که به دلیل اصل و نسب مادر خود از رسیدن به تخت سلطنت محروم بود و شاید چون از نظر ویژگی ظاهری نیز چهره‌ای گندمگون داشت، تصمیم گرفت از دیار خود کوچ کند و رهسپار شرق آفریقا شود. در آن زمان ایران با شرق آفریقا روابط تجاری داشت و بی‌گمان وی از طریق برخی ملوانان و ناخدایان از ثروت نهفته در شرق آفریقا آگاه شده بود و این امر نیز انگیزه‌ای برای دل‌کندن از سرزمین پدری و روی آوردن به سرزمین شرق آفریقا بوده است.

برای مهاجرت این شاهزاده، برخی دلائل دینی نیز می‌توان در نظر گرفت؛ چرا که در آن روزگار آل بویه شیعه زیدی بودند و می‌کشیدند این مذهب را در ایالات مختلف ایران رواج دهند،

---

\* سکه‌هایی متعلق به شیرازی‌های سلسله کیلوا در کشفیات باستان‌شناسی در کیلوا و زنگبار به دست آمده که نقش مهمی در شناسایی وضعیت داخلی این دولت شهر داشته است.



اما اغلب مردم ایران پیرو اهل سنت بودند. شاید این شاهزاده که شیعه متعصبی بوده تصمیم گرفته است با مهاجرت به شرق افریقا شمار پیروان شیعه زیدی را افزایش دهد.

تجارت و بازرگانی می‌تواند یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت شیرازی‌ها باشد. براساس کتابهای اصلی این دوره، آنان کالاهای گوناگونی با خود داشتند و در ابتدای ورود به کیلوا و دیگر مناطق ساحلی و جزایر شرق افریقا داد و ستد بازرگانی را با بومیان آغاز کردند. این امر و به‌ویژه انگیزه شیرازی‌ها برای توسعه روابط تجاری با منطقه شرق افریقا که از دیرباز بین ایران و این منطقه وجود داشته، سبب شده است تا آنها به رهبری یکی از شاهزادگان دربار آل بویه رهسپار این سفر شوند و رنج ناشی از مهاجرت به این سرزمین جدید را بپذیرند.

نکته مهم نوع کالاهایی بوده که شیرازی‌ها با خود حمل کرده‌اند و با استقبال بومیان نیز روبه رو شده است. این امر نشان می‌دهد اگرچه آنان از خاندان سلطنتی و از شاهزادگان ایرانی بوده‌اند، به خوبی از اهمیت بازرگانی و سود آن و چگونگی تجارت با این منطقه آگاهی داشته‌اند؛ از این روی پس از بررسی‌های لازم تصمیم گرفتند با استقرار در این منطقه و تشکیل دولتی نیرومند، مناسبات تجاری خود را با مردم سواحل و جزایر شرق افریقا گسترش دهند و سود و منفعت بیشتری به دست آورند. در وقایع نامه عربی کیلوا بر این نکته تأکید شده است که شیرازی‌ها با هفت کشتی بادبانی بزرگ یا جهازی بزرگ\* مملو از کالا و اجناس گوناگون رهسپار شرق افریقا شدند و در ابتدای ورود به جزیره کیلوا، با اهدای طاقه‌های پارچه‌های رنگی، آنجا را از رئیس جزیره خریداری کردند، این موضوع هدف و انگیزه بازرگانی آنها را در این منطقه تأیید می‌کند.

در مورد چگونگی این مهاجرت نیز آنان از راه یکی از بندرهای جنوبی پروتوق آن عهد ایران، روانه شرق افریقا شده‌اند. در منابع دست اول این دوره، بندر یادشده را جزیره هرمز می‌دانند، اما احتمال دارد آنان از شیراز به سیراف رفته و از این بندر که در قرن چهارم یکی از مهم‌ترین بنادر جنوبی ایران بوده است سفر خود را آغاز کرده باشند. این امر با توجه به آنکه بندر سیراف از گذشته‌های دور نقش مهمی در گسترش روابط تجاری ایران با شرق افریقا داشته از

---

\* براساس مطالعات صورت گرفته به احتمال زیاد این کشتیهای جهازی از نوع بزرگ آن بوده که باگالا نامیده می‌شده و ظرفیت حمل بالایی داشته است.

اهمیت زیادی برخوردار است.

### استقرار شیرازی‌ها در سواحل و جزایر شرق آفریقا

شیرازی‌های مهاجر پس از ورود به شرق آفریقا در سواحل و جزایر این سرزمین مستقر شدند. درباره نحوه سکونت آنها در این مناطق نیز اظهار نظرهای گوناگونی وجود دارد. وقایع نامه عربی کیلوا در این زمینه مطالبی نگاشته که به نظر می‌رسد منابع دیگر نیز به این نوشته‌ها استناد کرده‌اند. نویسنده این منبع نوشته است که شیرازیان با هفت کشتی وارد شرق آفریقا شدند و در مناطق مانند اخابا؛ شاتوگو؛ ینبو؛ مومباسا؛ جزیره سبز؛ کیلوا و هزوان لنگر انداختند.

وقایع نامه کیلوا، ناخدایان کشتیهای اول تا ششم را شش پسر حسن بن علی و ناخدای کشتی هفتم را سلطان حسن بن علی دانسته است (السلوه فی اخبار الکلوه، ۱۸۷۰، ص ۱۱).

ترجمه پرتغالی دوباروس نوشته است که شیرازیان با دو کشتی رهسپار شرق آفریقا شدند و پس از ورود به سواحل سومالی امروز، کوشیدند در سکونت گاههای امروزی موگادیشو و براوه استقرار یابند؛ اما پیش از آن گروهی از اعراب در این مناطق ساکن شده بودند و به سبب اختلاف مذهب، با شیرازیان دشمنی کردند و مهاجران شیرازی نیز سمت جنوب سواحل را پیش گرفتند و با رهبری شاهزاده علی بن حسین در کیلوا لنگر انداختند (De Barros, 1552, p.320).

محمی‌الدین زنگباری در خلاصه کتاب السلوه فی اخبار الکلوه محل استقرار شیرازیان را مناطقی نزدیک به هم در ساحل شرقی آفریقا دانسته است (همان، ۱۸۷۰، ص ۵۲). وقایع نامه سواحیلی کیلوا کیسیوانسی نیز فقط به اقامت شیرازی‌ها در کیلوا\* اشاره کرده است (English Translation..., p.14).

پروفیسور چیتیک افزون بر مناطق یادشده در وقایع نامه عربی کیلوا، جزیره تومباتو، جزیره

\* شهر کیلوا کنونی دربرگیرنده چهار منطقه مختلف است: کیلوا ماسوکو؛ کیلوا کیونجه؛ کیلوا کیسیوانی؛ جزیره سانجی یا کاتی. این شهر در ساحل اقیانوس هند و در سرزمین اصلی (Mainland) تقریباً در ۱۵۰ کیلومتری جنوب دارالسلام قرار دارد و آب و هوای آن بسیار گرم و مرطوب است. در حال حاضر بخش اصلی آثار باستانی متعلق به شیرازی‌ها در کیلوا کیسیوانی قرار دارد و از این لحاظ کیلوا کیسیوانی شهرت فوق‌العاده‌ای دارد.

مافیا، موزامبیک، کیلوا، کیونجی و کیلواکیسیواتی را از جمله مناطقی دانسته است که شیرازی‌ها در ابتدای ورود به شرق افریقا در آنجا اقامت کرده‌اند (Id. 1974, p.258). اینگزامز نیز جزیره مافیا را جزو مناطقی دانسته که شیرازی‌ها در آنجا لنگر انداختند و معتقد است منظور از مومباسا در وقایع نامه عربی کیلوا، در واقع مافیا بوده است (Id.1931, p.32).

برخی از منابع غربی هم بر این امر تأکید کرده‌اند که شیرازی‌ها در آغاز ورود به افریقا مدتی را در سواحل سومالی و در منطقه‌ای به نام شونگووایا اقامت کرده و سپس رهسپار شرق افریقا شده‌اند. جیمز هچ در این باره یادآور شده است که شیرازیان پس از ورود به شمال شرق افریقا ابتدا در شونگووایا در نزدیکی موگادیشو مستقر شدند و در قرن دوازدهم میلادی از این منطقه به جزایر شرق افریقا و شهر کیلوا رفتند (Id.1961, p.35). جیمز کرکمن نیز منزلگاه اولیه شیرازیان مهاجر را سواحل سومالی خوانده و معتقد است پس از دو قرن استقرار در این منطقه رهسپار شرق افریقا شده‌اند (Id.1974, p.229).

برخی از نویسندگان غربی، شونگووایا را با شیرازی‌ها یکی دانسته و خاطر نشان ساخته‌اند که شیرازی تغییر شکل یافته شونگووایا است (Pouwels, 1994, p.8). امویتا، کیلیندینی و وومبا را از دیگر مراکز سکونت اولیه شیرازی‌ها دانسته‌اند (Middleton, 1992, p.14).

در نتیجه‌گیری کلی باید گفت شیرازی‌ها پس از ورود به سواحل افریقا در چند منطقه ساحلی و جزیره استقرار یافته و سپس از این مناطق به دیگر مکانها رفته‌اند. در اینکه کیلوا مرکز سکونت مهاجران بوده است هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. مانداخاکه در وقایع نامه عربی کیلوا از آن یاد شده گویا شهر ماندا در جزیره ماندا بوده است. اینگرامز معتقد است مانداخا نام قدیمی موگادیشو بوده است (Id.1931, p.13). در برخی منابع هم از شاتوگو با نام شاق\* یا شانگا\*\* یاد شده است که در این صورت می‌توان آن را مکانی به نام شانگای قدیمی در جزیره پاته دانست. بعضی منابع نیز نوشته‌اند شاق، جزیره سونگومنارا در مقابل جزیره کیلوا بوده است. با توجه به اینکه در این جزیره آثاری بسیار قدیمی از شیرازی‌ها و حتی پیش از آن یافت شده این نظریه پذیرفتنی به

\* Shaugh

\*\* Shanga

نظر می‌رسد (Oliver, 1982, p. 107) گویا بنبو شهر قدیمی لامو بوده و نام آن نیز از اعرابی گرفته شده است که در شهری به نام ینبوع در یمن در کناره دریای سرخ زندگی می‌کردند و پیش از شیرازی‌ها به این منطقه مهاجرت کرده بودند (Prins, 1965, p. 41). جزیره الخضراء یا جزیره سبز نیز همان جزیره پمبا است که یاقوت حموی به آن اشاره کرده است و آثار باستانی قدیمی شیرازی‌ها که از این جزیره به دست آمده جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد که پمبا یکی از سکونت‌گاههای اولیه آنان بوده است.

براساس بررسیهای انجام شده در مورد مومباسا نیز تردیدهایی وجود دارد؛ چرا که در وقایع نامه کیلوا بارها به مافیا اشاره شده و نخستین حاکم کیلوا موسوم به سلطان علی بن الحسین بن علی به مافیا سفر می‌کند و با مشاهده طبیعت دلپذیر این جزیره زیبا، آن را به فرزندش محمد بن علی می‌دهد، با این حال در کتاب از مومباسا نام برده نشده است. این گفته که شیرازی‌ها در قرن سیزدهم میلادی بر مومباسا حاکم شدند (Ssekamwe, 1971, p. 20) این نظریه را تا حدی تأیید می‌کند و شاید منظور نویسنده از مومباسا جزیره مافیا بوده است. اگرچه در وقایع نامه کیلوانامی از مومباسا به میان نیامده، این امر نمی‌تواند دلیلی قطعی برای رد آن به نظر رسد؛ چرا که در ترجمه پرتغالی به مومباسا و فاصله نسبتاً دور آن از کیلوا اشاره شده که براساس این منبع در آن عهد تحت حاکمیت اعراب بوده است.

جزیره هنزوان بی‌گمان جزیره آنزوان یکی از جزایر اصلی مجمع‌الجزایر کومور است که مردم آن در چند دهه اخیر همواره داعیه مستقل شدن از دولت مرکزی را در سر داشته‌اند. جزیره اونگوجا (جزیره اصلی زنگبار) نیز از مناطق ابتدایی سکونت شیرازی‌ها بوده است. در وقایع نامه عربی و ترجمه پرتغالی بارها به این شهر اشاره شده است و در دوره عظمت و شکوه شیرازی‌ها، پادشاهی آنان در نزد آسیایی‌ها به امپراتوری زنگبار شهرت یافته بود. جزیره تومباتو نیز از دیگر مناطق استقرار شیرازی‌ها بوده و آثار باستانی موجود در جزیره مهم‌ترین شاهد این امر است. وومبا، اوتوندو، کیلیه، مغم غوب، کیسیبی<sup>\*\*</sup>، مالیندی و چندین جزیره کوچک و مناطق ساحلی پراکنده در

\*\* با وجود کوشش فراوان پژوهشگر، مشخص نیست که اوتوندو، کیلیه و کیسیبی مورد اشاره که در وقایع نامه کیلوا نیز به آنها اشاره شده است چه مناطقی بوده‌اند با این حان براساس مطالعات میدانی محقق، این روستاها

شرق و جنوب شرق افریقا از دیگر مناطق استقرار این ایرانیان به شمار می‌رفته است. برخی از تاریخ‌نگاران از سی و هفت و برخی دیگر از هشتاد شهر شیرازی یاد کرده‌اند که نشان دهنده گستردگی دایره تسلط شیرازی‌ها بر بخشی از خطه ساحلی شمال شرق تا جنوب شرق افریقا بوده است. آنان با گسترش قدرت و نفوذ خود و افزایش جمعیت، رهسپار دیگر مناطق ساحلی و جزایر اطراف شده‌اند.

### استقرار شیرازی‌ها در کیلوا

وقایع نامه عربی کیلوا، کیلوا را شبه جزیره‌ای می‌داند که تنها از راه باریکه کوچکی به ساحل متصل و رفت و آمد مردم به جزیره از این راه انجام می‌شده است. شیرازی‌ها پس از ورود به این شبه جزیره با مردی مسلمان به نام منیری و اباری ملاقات می‌کنند و اطلاعاتی درباره ساکنان این سرزمین و حاکم آنجا به دست می‌آورند و از طریق وی با رئیس جزیره کیلوا در مورد اقامت در شبه جزیره مزبور و خرید آن مذاکره می‌کنند. رئیس جزیره که به گفته نویسنده وقایع نامه کیلوا فردی کافر بوده با فروش آن در ازای پارچه‌هایی رنگی که دور تا دور جزیره را بپوشاند موافقت می‌کند، البته هدف وی در واقع حمله ناگهانی به جزیره و غارت و چپاول اموال شیرازیان بوده است. شیرازی‌ها با کمک فرد مسلمان، باریکه کوچک موجود بین جزیره و خشکی را از بین می‌برند و مانع حمله این فرد و افراد قبیله‌اش به شبه جزیره می‌شوند (السنوه فی اخبار الکلو، ۱۸۷۰، ص ۱۴). ترجمه پرتغالی وقایع نامه کیلوا نیز روایتی مشابه آورده است. شیرازی‌ها وارد جزیره کیلوا می‌شوند و این جزیره به دلیل مصنوعیت در برابر حمله‌های سیاهان ساکن در سرزمین اصلی (تانگانیکا) انتخاب شده است. آنان جزیره کیلوا را در مقابل مقداری پارچه می‌خرند و به روشی صلح‌آمیز ساکنان بومی آنجا را متقاعد می‌کنند تا رهسپار سرزمین اصلی (تانگانیکا) شوند

---

متعلق به جزایر یا مناطق ساحلی در کنیا و تانزانیا بوده‌اند. در بررسی‌های میدانی پژوهشگر در مرکز اسناد ملی زیمبابوه نقشه‌ای قدیمی متعلق به سال ۱۷۷۹م. به دست آمده که در آن به مکانی به نام بانگوکا (Bangouga) اشاره شده که بین کیلوا کیونجه و کیلوا کیسیونانی قرار داشته است و به احتمال زیاد معنای غوب نام تغییر یافته همین مکان است.

روایت تاریخ کیلوا کیسیوانی درباره سکونت شیرازی‌ها در کیلوانیز تا حدی مشابه دو منبع دیگر است. نویسنده این کتاب می‌نویسد که سلطان شیرازی و اطرافیانش پس از حضور در جزیره کیلوا کیسیوانی، در ازای دادن هدیه‌هایی شامل ظرفهای شیشه‌ای و کالاهای تجاری به رئیس جزیره از وی اجازه می‌گیرند که در جزیره اقامت کنند. سلطان شیرازی با دختر رئیس جزیره ازدواج و ارتباط عمیقی با بومیان کیلوا کیسیوانی برقرار می‌کند. وی از طریق همسرش حاکم جزیره را متقاعد می‌سازد تا جزیره را به آنها واگذار کند و رهسپار سرزمین اصلی شود. حاکم که مریمبا نام داشته است با این شرط که سلطان شیرازی باید در سراسر مسیر او تا سرزمین اصلی پارچه‌هایی را بگستراند با پیشنهاد دامادش موافقت می‌کند، اما در واقع در صدد حمله به جزیره و تصاحب اموال آنان بوده است؛ پس سلطان شیرازی با یاری خواستن از خداوند و نذر قربانی، مانع از حمله مریمبای پیر و لشکریانش به جزیره می‌شود.\*

### نتیجه

درباره تاریخ حضور ایرانی‌ها در شرق آفریقا باید یادآور شد که اگرچه شیرازی‌ها با انگیزه‌های نیرومند بازرگانی روانه سواحل و جزایر شرق آفریقا شدند، تنها سودای تجارت در سر نداشتند و پس از استقرار در این منطقه، مجموعه‌ای از نهادهای مدنی را تأسیس کردند که حتی پس از فروپاشی دولت شهرهای شیرازی پابرجا بود. شیوه تشکیل حکومت‌های محلی فدراتیو بر پایه خودمختاری داخلی هر یک از دولت شهرهای شیرازی نیز نشان دهنده دانش بسیار و مدیریت خردمندانه آنان در ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر نظم و انسجام در جوامع پراکنده این منطقه بوده است. قبایل شرق آفریقا تا پیش از ورود ایرانیان مرکزیت نداشتند و قبیله‌هایی کوچک را تشکیل

---

\* وقایع نامه کیلوا کیسیوانی اولین ساکنان شهر کیلوا را مردمان قبیله اماتاکاتا و افراد قبیله یاسی متعلق به قبیله بزرگ مروانگا دانسته است. دقیقاً مشخص نیست که این قبایل چه کسانی بوده‌اند ولی به نظر پژوهشگر آنها شعبه‌هایی از قبیله بزرگ بانو بوده‌اند که از بخش‌های داخلی سرزمین اصلی رهسپار مناطق ساحلی شده و در این شهر اقامت گزیده‌اند.

می‌دادند. حضور شیرازی‌ها و ارتباط آنان با بومیان منطقه، سبب ایجاد تمدنی اسلامی ایرانی با برخی ویژگیهای بانثو شد که تاکنون در این سرزمین باقی مانده است. آنان در زمینه بازرگانی نیز کارهای مثبتی انجام دادند، به گونه‌ای که در دوره حاکمیت ایرانیان، مناسبات حکومتهای محلی شیرازی با ایران، هند، چین و خاور دور به سرعت گسترش یافت و از رهگذر ارتباط بازرگانی، ثروت عظیمی وارد این شهرها شد.

ایرانیان از طریق روابط تجاری با مناطق داخلی شرق و مرکز افریقا، اسلام را در مناطقی همچون اوگاندا، شرق کنگو، بوروندی، غرب تانزانیا و زامبیا گسترش دادند؛ این امر با بهره‌گیری از رهنمودهای دین اسلام در زمینه وحدانیت، برادری و نفی امتیاز بومی و نژادی صورت گرفت و در واقع شیرازی‌ها غیرمستقیم و از راه بازرگانی، اصول و تعالیم دین اسلام را به دورترین مناطق آن روز قاره افریقا انتقال دادند. ایرانیان بر زبان محلی بومیان اثر گذاشتند و تقویم هجری شمسی؛ معماری ایرانی؛ جشن نوروز و... را برای آنها به ارمغان بردند و اثر ارزشمند این فعالیتها در این سرزمین جاودانه و ماندگار شده است.

مدیریت سیاسی شیرازی‌ها بر سواحل و جزایر شرق افریقا بیشتر بر ایجاد روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه با سیاهان مبتنی بود و در واقع ایرانیان با هشیاری و با توجه به در اقلیت بودن خود کوشیدند جامعه‌ای بر پایه عدالت و به دور از هرگونه تبعیض نژادی پدید آورند. از این روی در طول مدت حاکمیت آنان بر این منطقه با وجود حمله برخی از قبیله‌های عرب به شهر مرکزی کیلوا، سیاهان همواره از ایرانیان حمایت کردند و هیچ‌گاه حاضر نشدند استیلای بیگانگانی دیگر را بپذیرند. این امر نشان می‌دهد سیاهان سواحل و جزایر شرق افریقا در سایه ارتباط و پیوند خونی میان شیرازی‌ها و قبایل مختلف، آنان را بخشی از پیکره خود می‌دانستند.

کوشش این ایرانیان برای حفظ فرهنگ و تمدن خود، شایان تحسین است. آنان توانستند افزون بر حفظ زبان و هویت فرهنگی خود، اثر عمیق فرهنگی اجتماعی بر این منطقه بگذارند.

## کتابنامه

### فارسی و عربی

۱. السلوه فی اخبار الکلوه، تصحیح: محی‌الدین زنجباری، لندن: المكتبة بریتیش، مخزن الکتب الخطی، ۱۸۷۰.
۲. امیدوار، عیسی و عبدالله، سفرنامه برادران امیدوار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹.
۳. شبلی، احمد، تاریخ الاسلامی و الحضارة الاسلامیه، المجلد السادس، الطبعة الاولى، نشر مكتبة النهضة المصریه القاہرہ، ۱۹۷۳.
۴. شفاء، شجاع‌الدین، گزارش مختصر مربوط به افریقا، دبیرکل شورای فرهنگی سلطنتی ایران، بی‌جا، ۱۳۴۲.
۵. عبدالعزیز الفهمی، عبدالسلام، ایرانی‌ها در شرق افریقا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
۶. مصطفوی، سیدمحمدتقی، اقلیم پارس، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۳.
۷. نوائی، عبدالحسین، تاریخ ایران و جهان (از مغول تا فاجاریه)، ج ۱، تهران: هما، ۱۳۶۲.

### انگلیسی

1. Brittain, H, and P.J.Q. ripley, *A Simple and History east Africa*, Collins clear type press, 1963.
2. Chittick, Neville, *Kilwa an Islamic trading city on the east African coast*, Nairobi, 1974.
3. De Barros, Joa, *Decades De Asia*, Lisbon, 1552.
4. *English translation of kilwa kisiwani chronicle in Kiswahili*, London, n.d.
5. Greenville, Freeman, *The medieval history of the coast of Tanganyika*, Oxford: Clarendon Press, 1962.
6. Hatch, James, *Tanzania*, London: 1961.
7. Hollingsworth, L.W. *A Short History of east coast of Africa*, london, 1929.
8. Ingrams, W.H, *Zanzibar, its History and its People*, London, 1931.
9. Kirkman, James, *Some conclusions from Archaeological excavation on the Kenya 1948 - 1964*, in h.n.chittick and r.i.rotberg, eds, *East Africa and the orient coast of*, newyork, Africana,



1974.

10. \_\_\_\_\_, *Men and Monuments on the east African coast*, London, Lutterworth Press, 1966.

11. Middleton, John, *The World of the Swahili, an Africa Merchantile Civilization*, U.S.A, 1992.

12. Pouwels, Randall, *Islam and Islamic Leadership in the Coastal Communities of eastern Africa 1700-191*, cambridge, 1994.

13. Prins, A.H, *Sailing from lamu, A study of Maritime culture in Islamic east Africa*, Nairobi, Publisher von Gorcum, 1965.

14. Reusch, Richard, *History of east Africa*, London, F.ungar Pub co, 1961.

15. Ronald Oliver and Gervase Mathew, *History of east Africa*, vol.2, Oxford, 1982-1915.

16. Ssekamwe, J, *A Sketch Map History of east Africa*, Hurton educational Publications, 1971.

17. Trimingham, Spencer, *Islam in east Africa*, Oxford, clarendon Press, 1962.